

اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش ششم



عصیت

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

دوست داشتن کسی یا چیزی یا عقیده ای را بدون در نظر گرفتن هرگونه انصاف و عقلانیتی تعصب مذموم گویند؛ به طوری که شخص متعصب جز خود و داشته های دیگران را چیزی به حساب نیاورد.

امام سجاد (علیه السلام) در این زمینه می فرمایند: «العَصَبِيَّةُ السَّيِّئَةُ الَّتِي يَأْتِمُ عَلَیْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شَرَّارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخَرِينَ، وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ أَنْ يُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ، وَ لَكِنْ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ أَنْ يُعَيِّنَ قَوْمَهُ عَلَی الظُّلْمِ» [1] تعصب ورزیدنی که به خاطر آن، شخص متعصب مرتکب معصیت می شود این گونه است که انسان افراد شرور از فامیل خود را از خوبان دیگران بهتر بداند؛ در غیر این صورت صرف دوست داشتن فامیل، تعصب نیست. بلکه تعصب این است که فامیل خود را در راهی که به ظلم منجر می شود یاری کند.

قرآن کریم این نوع تعصب را از ویژگی‌های شیطان و مشرکان برشمرده است که موجب خود پسندی و تکبر است و زمین اصلی تفرقه را فراهم می‌آورد.

1. عامل تکبر‌را

خداوند دربار ابلیس چنین می‌فرماید: «قَالَ مَا مَدَّعَاكَ أَتَّيْتُكَ بِمَعِينٍ مِنْ رَبِّكَ فَقَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» [21] خداوند به ابلیس فرمود: در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجد کنی؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) علت مخالفت شیطان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «إِعْتَرَضَتْهُ الْحَمِيَّةُ فَافْتَخَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ؛ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ؛ فَعَدُوٌّ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، الَّذِي وَضَعَ أُسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ، وَ نَزَعَ إِيَّاهُ الْجَوَائِرِيَّةَ» [31] ابلیس را خودپسندی فرا گرفت؛ از این‌رو با خلقت خود بر آدم فخر فروخت و به خاطر اصل خود بر او تعصب ورزید. پس او دشمن خدا و امام تعصب‌ورزان شد و از پیش‌گامان مستکبرین گردید. او همان کسی است که پای تعصب را نهاد و در مقابل خداوند لباس تکبر برتن نمود. آن حضرت در بیانی دیگر عصبیت ممدوح را این‌گونه تبیین فرمودند: «إِنْ كُنْتُمْ لَا مُحَالَاتَةَ مُتَعَصِّبِينَ فَتَعَصَّبُوا لِذِمَّةِ الْحَقِّ وَ إِغَاثَةِ الْمَلْهُوفِ» [41] اگر ناچارید که متعصب باشید، پس برای یاری کردن حق و نجات گرفتار تعصب داشته باشید.

2. عامل تفرقه

خداوند در اجتناب دادن مؤمنان از تعصب این‌گونه می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيْعَاءَ كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرَّحُونُ» [51] و از مشرکان نباشید؛ از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و [عجب اینک] هر گروهی به آنچه نزد آن‌هاست [دل بسته و] خوش‌حال‌اند. البته همین تعبیر را در آیاتی دیگر راجع به کفار دارد. [61] از این‌رو در روایات اسلامی، از عصبیت نهی شده است:

1. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «مَنْ تَعَصَّبَ سَبَّ أَوْ تَعَصَّبَ سَبَّ لَهُ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ» [71] هرکس تعصب ورزد یا به نفعش تعصب ورزیده شود، همانا از دایره ایمان خارج شده است».

2. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «مَنْ تَعَصَّبَ سَبَّ، عَصَبَهُ الْإِيعَادُ بِرَعَصَابَةٍ مِنْ نَارٍ» [81] هرکس تعصب بورزد، خداوند پیشانی بند آتشی بر دور سرش می بندد».

روایات اهل سنت

1. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لَيْسَ مِنْ ذَا مَنْ دَعَا إِلَى عَصَبِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنْ ذَا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنْ ذَا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ» [91] از ما نیست کسی که به تعصب ورزی دعوت کند و از ما نیست کسی که به خاطر تعصب بجنگد و از ما نیست کسی که با عقیده ای متعصبانه از دنیا برود».

2. ابن عباس نقل می کند: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هَلَاكُ الْمُتَّبِعِي فِي ثَلَاثٍ: فِي الْعَصَبِيَّةِ، وَ الْقَدَرِيَّةِ، وَ الرِّوَايَةِ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيْتٍ» [101] سه چیز امت مرا هلاک می سازد: تعصب ورزی، اعتقاد به قدر و نقل روایت بدون دقت در آن» [111]

از ابتدای حرکت بیدارگر انقلاب اسلامی در ایران، ایجاد تفرقه و تحریک تعصب فرقه ای میان مسلمانان همواره یکی از نقشه های دشمنان و استعمارگران در راه رسیدن به اهداف خود در جوامع اسلامی است. از این رو کوبیدن بر طبل قومیت گرایی و مذهب گرایی اصلی ترین عامل تفرقه و دست آویز دشمنان برای شکستن هیمه و انسجام مسلمانان بوده است. و از آنجا که نقش مذهب و قومیت گرایی در زمینه سازی برای تفرقه و تجزیه طلبی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ همیشه مورد توجه دشمنان اسلام و انسجام مسلمانان بوده است، تا با برانگیختن تعصبات قومی - مذهبی زمینه اغتشاش و تفرقه را کلید بزنند.

[2]. اعراف: 12.

[3]. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 192 و 286.

[4]. آمدی، غرر الحکم، ص378.

[5]. روم: 31- 32.

[6]. فتح: 26.

[7]. کلینی، الکافی، ج 2، ص307، ح 1 و 2.

[8]. همان، ص308، ح 4.

[9]. سجستانی، سنن ابی‌داود، ج 2، ص503، ح 5121.

[10]. متقی‌هندی، کنز العمال، ج 16، ص 66، ح 43902.

[11]. مقصود از قدریّه، گروهی هستند که تقدیری بودن خیر و شر را از سوی خدا نفي کرده‌اند و خیر و شر را مطابق مشیت خداوند نمی‌دانند. اینان به دلیل مبالغه در نفي تقدیر از خداوند، قدریّه نامیده شده‌اند.